



Original Paper

Article History:

Received: 3 April 2024

Revised: 8 May 2024

Accepted: 28 May 2024

Published Online: 21 June 2024

Investigating the Concept of Human Security from the Perspective of Islam to Modern Human Rights

Mohammad Reza Farrokhizadeh (Corresponding author)

Department of Public International Public Law, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University,
Isfahan, Iran

Abstract

One of the concepts on which the modern international legal system is based is human security, and in fact, the preservation of human dignity in the biological, economic, political and social spheres. Security, along with peace, is mentioned as one of the important goals of the United Nations Charter. Human security is the result of studies in the two areas of security and human development, which are the foundation of the advancement of mankind. It is with security that man is freed from the threats and harms that exist against his survival. Human security seeks to increase life expectancy at all levels by placing the human individual at the center of security concerns. Human security is considered one of the most fundamental human and social concepts in Islam. The author seeks to overcome this important issue by examining human rights documents and conventions and Islamic institutions such as Dhimmah, Aman and Esteeman, the perspectives of UN member states, and universal human principles from the beginning of Islam to the present, and to demonstrate that human security from the perspective of human rights and the perspective of Islam are actually two sides of the same coin, the ultimate goal of which is the advancement and growth of mankind of every race and nationality. The research method will be descriptive-analytic.

Keywords: Human security, international law, Islam, United Nations Charter, human rights.

Citation: Farrokhizadeh, M.R. (2024). Investigating the Concept of Human Security from the Perspective of Islam to Modern Human Rights. *Journal of Islamic Wisdom and Law*, 1 (2), 174-191. Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد
دوره ۱، شماره ۲، پاییز - زمستان ۱۴۰۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi:



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

واکاوی مفهوم امنیت انسانی از دیدگاه اسلام تا حقوق بشر نوین

محمد رضا فرخی زاده (نویسنده مسئول)

گروه حقوق بین الملل عمومی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران

چکیده

یکی از مفاهیمی که نظام حقوق بین الملل^۱ مدرن بر آن استوار شده، امنیت انسانی^۲ و در واقع حفظ کرامت انسانی در حوزه های زیستی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. از امنیت در کنار صلح، به عنوان یکی از اهداف مهم منشور ملل متحد، یاد می شود. امنیت انسانی، حاصل مطالعات در دو حوزه امنیت و توسعه انسانی است که زیربنای تعالی نوع بشر می باشد. با امنیت است که انسان از تهدیدات و آسیب هایی که در مقابل بقای وی وجود دارند رها می شود. امنیت انسانی در پی آن است که با قرار دادن فرد انسان در مرکز دغدغه های امنیتی، امید به زندگی را در همه سطوح، افزایش دهد. امنیت انسانی یکی از اساسی ترین مفاهیم انسانی و اجتماعی در اسلام به شمار می رود. در این مقاله که به شیوه تحلیلی _ توصیفی نگارش شده است، نگارنده در صدد است با بررسی اسناد و کنوانسیون های حقوق بشری و نهادهای اسلامی مثل ذمه، امان و استیمان و دیدگاه کشورهای عضو سازمان ملل و اصول انسانی جهان شمول از صدر اسلام تاکنون به این مهم فایق آید که امنیت انسانی از دیدگاه حقوق بشر و دیدگاه اسلام در واقع دو روی یک سکه می باشد که هدف غایی آن تعالی و رشد نوع بشر از هر نژاد و هر ملیت می باشد.

کلمات کلیدی: امنیت انسانی، حقوق بین الملل، اسلام، منشور ملل متحد، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه.

نحوه ارجاع به مقاله:

فرخی زاده، محمد رضا (۱۴۰۳). واکاوی مفهوم امنیت انسانی از دیدگاه اسلام تا حقوق بشر نوین. دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱ (۲)، ۱۹۱-۱۷۴.

Doi:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granded to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – acsses article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



^۱ -International Law

^۲ - Human Security

مقدمه

یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین مفاهیمی که در نظام حقوق بین‌الملل مدرن بر آن مبتنی شده، امنیت است. امنیت بین‌المللی و عدالت در کنار صلح بین‌المللی به عنوان یکی از اهداف منشور ملل متحد و نظم حقوقی بین‌المللی معاصر قلمداد می‌گردد. امنیت انسانی که در واقع ماحصل و نتیجه مطالعات انجام شده در دو حوزه امنیت و توسعه انسانی می‌باشد، آثار و پیامدهای جدی در مباحث حقوق بین‌الملل نوین و حقوق بشر دوستانه دارد و می‌تواند نحوه نگرش به بسیاری از مسائل حقوق بین‌الملل را تغییر داد در این حال مسائل جدیدی را مطرح نماید که حقوق بین‌الملل ناچار به پاسخ‌گویی آن‌ها می‌باشد. اگرچه توجه به مفاهیم امنیت انسانی در سال‌های اخیر بیشتر شده است، اما هنوز مفهوم امنیت انسانی در سرتاسر جهان و بدون تبعیض به جریان اصلی مباحث امنیتی دولت‌ها به دلایل سیاسی، تبدیل نشده است. در رابطه با ارزش امنیت انسانی در تحلیل‌ها و سیاست‌گذاری‌ها، نظرات متفاوتی وجود داشته است که آیا امنیت انسانی واقعاً مفهومی جدید است و این مفهوم، مفهومی مفید است و اگر چنین است فایده آن چیست؟ حقوق بین‌الملل هم به عنوان ابزاری مناسب برای پیشبرد امنیت انسانی و هم به عنوان مانعی در پیشبرد آن معرفی شده است. از این رو از حاکمیت قانون، اجرای حقوق بین‌الملل و پاسخ‌گویی حقوقی، به عنوان عناصر اساسی بعد انسانی امنیت انسانی یاد شده است. علاوه بر این، تحولات و پیشرفت‌های حقوقی، عناصر امنیت انسانی را مدنظر قرار داده‌اند. بنابراین، حقوق بین‌الملل نقشی مهم و مثبت در ارتقای امنیت انسانی دارد (Charlesworth & Chinkin, 2000:93). از سوی دیگر مباحث امنیت انسانی گاه این تصور را ایجاد می‌کند که حقوق بین‌الملل، مانعی بر سر اعمالی است که انجام آن‌ها برای تضمین امنیت انسانی ضرورت دارد. اگرچه در برخی زمینه‌ها، امنیت انسانی با پیشرفت‌های حقوق بین‌الملل همراه است، اما درعین حال در برخی دیگر از زمینه‌ها، چالشی در برابر حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود؛ چالشی که مستلزم تغییر در ساختارهای موجود حقوق بین‌الملل است (Acharya, 2001:448). در همین راستا، دستورات و قواعد اسلام در مورد امنیت انسانی، ریشه در ذات و فطرت انسان دارد و درواقع تکمیل و تجمیع‌کننده قواعد حقوق بین‌الملل می‌باشد. قواعدی مثل ذمه و استیمنان و امان، همگی نشانگر عمق تعهد اسلام به امنیت و سلامت و سعادت‌مندی نوع بشر فارغ از دین و ایمن خاصی می‌باشد. نگارنده در این مجال، ضمن بررسی مفاهیم امنیت انسانی، توسعه انسانی، نقش حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و در حوزه‌هایی مانند سلامت، مداخله بشر دوستانه و آوارگان مخاصمات و از همه مهم‌تر، دیدگاه اسلام در حوزه امنیت انسانی، در پی این مهم است که آیا قلمرو امنیت انسانی از دیدگاه اسلام و قواعد حقوق بین‌الملل، با هم همپوشانی و تطابق دارد یا مابینت؟ در مجموع از ملاحظه، تحلیل و بررسی اسناد حقوق بشری نوین و اسناد و قواعد اسلامی می‌توان تا حدود زیادی قرابت و نزدیکی این قواعد را شاهد بود.

پیشینه تحقیق

در مورد مطالعات پیشین و پیشینه تحقیق در موضوع امنیت انسانی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: دکتر عباسعلی عمید زنجانی در کتاب فقه سیاسی، حقوق بین‌الملل اسلامی (۱۳۹۷) به موضوع مهم قراردادهای اسلامی ذمه و استیمنان پرداخته‌اند. دکتر حسین مهر پور در کتاب نظام بین‌المللی حقوق بشر (۱۳۹۷) به شرح مبسوط نظامات حاکم بر موازین و قواعد حقوق بشر در اسلام و حقوق بین‌الملل پرداخته‌اند. آقای محمدعلی قاسمی در مقاله امنیت انسانی و توسعه (۱۴۰۰)، به شرح و تحلیل مبانی امنیتی در توسعه انسانی مبادرت نموده‌اند و توماس کارولین در مقاله حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی (۱۴۰۱)، به نظامات توسعه و امنیت در حوزه انسانی در قالب سازمان ملل متحد و باید و نبایدهای این مهم اشاره نموده‌اند، لیکن نگارنده در صدد است با بررسی مبانی امنیت در حوزه انسانی از اسلام تا حقوق بشر نوین، به تشابهات و تعارضات این دو دیدگاه دست یابد.

۱- تعریف امنیت انسانی

امنیت از حیاتی‌ترین ابعاد زندگی انسان است. هر روزه به نام امنیت، مردم در اقصی نقاط جهان کشته می‌شوند، گرسنگی می‌کشند، شکنجه می‌شوند، در معرض تجاوز جنسی قرار می‌گیرند، به فقر و نداری کشانده می‌شوند، زندانی می‌شوند، آواره می‌گردند و از دسترسی به آموزش و تحصیل محروم می‌شوند. امنیت در عام‌ترین معنای خود عبارت از رهایی از خطر و هرگونه ترس است

(Murray, 2021:585). دست یابی به امنیت متضمن کاستن از آسیب پذیری ها و کاهش یا حذف تهدیداتی است که در برابر ادامه حیات یا رفاه بشر وجود دارند (Buzan, 2021:33). به طور کلی درباره این مفهوم سه بعد اساسی وجود دارد: موضوع امنیت، ماهیت تهدید و ابزارهایی که با به کارگیری آنها در پی برقراری امنیت هستیم (مونتسکیو، ۱۱۱:۱۳۴۹). هدف امنیت انسانی قرار دادن فرد انسان در مرکز دغدغه های امنیتی است تا از این منظر در نحوه تأمین امنیت تغییرات ایجاد نماید (Tickner, 2015:2).

امنیت دسته جمعی مصرح در منشور سازمان ملل متحد متضمن توافق کشورها با هم است آن است که از استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری نمایند و در صورت تعدی و تجاوز به هر یک از اعضای ملل متحد، دیگران از او حمایت نمایند (UNDP, 1995:122). بنابراین این نوع امنیت مبتنی بر امنیت نظامی است. مفهوم امنیت مشترک مبتنی بر این ایده است که در یک عصر اتمی، دولت ها نمی توانند به بهای زبان دیگران امنیت خود را به دست آورند، چرا که در این نابودی طرفین دور از انتظار نخواهد بود (UNDP, 1995:123). به زعم نگارنده مفهوم امنیت انسانی نوین، همان گونه که امروزه در ادبیات دانشگاهی و سیاست گذاری استفاده می شود برآمده از نزدیکی و جمع میان نظریات در دو حوزه امنیت و توسعه بین المللی است. در واقع امنیت انسانی برآیند ایجاد نظام سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است که همه با هم عناصر اصلی بقا را اختیار نوع بشر قرار می دهد.

۱-۱ - استفاده و کاربرد مفهوم امنیت انسانی

براساس گزارش توسعه انسانی^۱ (۱۹۹۴)، مفهوم امنیت ضروری است تغییر کند یعنی از تمرکز بر تسلیحات، سرزمین و جمعیت به مفهومی با تمرکز بر مفاهیم مهمتری همچون افراد، توسعه انسانی، تأمین غذای انسان ها؛ شغل و محیط زیست تبدیل شود (توماس، ۱۳۸۲: ۲۶). از دیدگاه نگارنده، مفهوم امنیت در قالب دو گزاره متحول شده است. نخستین گزاره ی تحولی، از تأکید بر امنیت سرزمینی به تأکید بر امنیت افراد مبتنی شده است و دومین گزاره تحولی، ایجاد امنیت از به کارگیری و توسعه تسلیحات به ایجاد امنیت به واسطه توسعه انسانی تبدیل شده است. از آنجایی که تمرکز بر مشکلات و نگرانی های روزمره افراد انسانی به مراتب مهم تر از تمرکز بر تهدیدات و حوادث بزرگ در حال وقوع در جهان می باشد. (UNDP, 1995:128). مفهوم امنیت انسانی مستخرج از این گزارش بر چهار ویژگی استوار است: دغدغه ای جهانی است که به همه افراد انسانی مرتبط است و دارای عناصر به هم پیوسته می باشد و تهدید به آن در گوشه ای از جهان سایر قسمت های جهان را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. پیش گیری و جلوگیری از تهدید این امنیت از مداخله بعدی برای برقرار ساختن آن آسان تر است و مهمتر از همه موارد پیش گفته فرد محور است (قربان نیا، ۱۴۰۱: ۸۵).

امنیت انسانی از یک جهت مقابله با خطراتی کهن که از همیشه تاریخ وجود داشته اند مثل گرسنگی، بیماری، جنگ و سرکوب را در بر می گیرد و در سوی دیگر، شامل حفاظت و مقابله با حوادث غیر منتظره و دردناکی ناگهانی و زیان باری که در جریان زندگی نوع بشر به وقوع می پیوندد، می گردد. بحث از امنیت هفت مقوله مهم از امنیت انسانی را مورد توجه قرار می دهد که شامل: امنیت اقتصادی، غذایی، بهداشتی، زیست محیطی، امنیت شخصی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی می باشد (بهزادی، ۱۴۰۰: ۱۵۲). جهانی شدن نیز نقش مهمی در جستجوی مفهوم جدید امنیت ایفا کرده است چرا که جهانی شدن، تهدیدات جدیدی را پیش آورد و وابستگی متقابل افراد و دولت ها را افزایش داده است (UNSC, 1999:213). جرایم سازمان یافته فراملی، قاچاق مواد مخدر، تسلیحات سبک و انسان، تخریب محیط زیست و تروریسم از این دسته اند. از آنجایی که این تهدیدات دارای ماهیت فراملی می باشند، هیچ دولتی نمی تواند به تنهایی با آن ها مبارزه کند و بنابراین مبارزه با آن ها، مستلزم مشارکت بین المللی می باشد (Neff, 2012:22). امنیت انسانی راه را برای پرداختن به آثار فراگیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بحران و نیاز به شبکه های امنیت اجتماعی در منطقه هموار نمود (عبیری، ۱۴۰۰: ۱۰). واقعه تاریخی دیگری که در این مورد تأثیرگذار بود حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۲ و وقایع پس از آن بود که در بازاندیشی در باب مفهوم امنیت و راه رسیدن به آن تأثیرگذار بود (Kaplan, 2015:82).

مفهوم امنیت را می توان به چند روش طبقه بندی کرد. امنیت ملی، امنیت زیست محیطی، امنیت اقتصادی، امنیت سیاسی، امنیت اجتماعی و شخصی، امنیت دسته جمعی، امنیت انسانی و غیره. هرچند این مفاهیم در ظاهر از هم مجزا هستند ولی با تمرکز بر مفهوم

¹ - Human Development Report

ذاتی امنیت شاهد همپوشانی و ادغام این موارد در عرصه‌های مختلف خواهیم بود. به عنوان مثال، امنیت ملی هم به معنای امنیت دولت – ملت است و هم در مفهوم ذاتی خود، به کارگیری ابزار نظامی در برابر تهدیدات امنیتی خارجی است. در این بحث به مفاهیم مربوط به امنیت انسانی می‌پردازیم. امنیت انسانی متضمن دسترسی به حداقل غذا است که این نوع از امنیت، به امنیت اقتصادی نیز مرتبط است. گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، تعریفی از امنیت غذایی ارائه نمی‌کند ولی مهم‌ترین و قابل پیشگیری‌ترین دلایل مرگ در جوامع مختلف را ارزیابی می‌کند که البته بسیاری از آن‌ها به ناامنی‌های اقتصادی و محیط زیستی مربوط می‌شود (McRae, 2021:94). در مورد امنیت زیست محیطی نیز که از مهم‌ترین ابعاد موضوع امنیت می‌باشد می‌توان به تهدیداتی مهم اشاره کرد که عبارتند از ورود آسیب اکوسیستم‌های محلی، کمبود آب، فقدان سیستم فاضلاب سالم، کویرزایی، آلودگی شدید هوا، حوادث اتمی و شیمیایی و بلایای طبیعی (Murray, 2021:589). امنیت شخصی متضمن برخورداری از امنیت در برابر خصومت شخصی است که خود، دارای اشکال متفاوتی است از جمله شکنجه، جنگ، جرایم خشونت‌بار و یا خشونت‌های مبتنی بر جنسیت می‌باشد (قاسمی، ۱۴۰۰: ۵۲۸). در حوزه امنیت اجتماعی که از شاخص‌ترین ابعاد امنیت است و تعالی و آرامش نوع بشر به طور خاص در این حوزه قرار دارد، می‌توان گفت که افراد با عضویت در گروه‌ها و تشکلات به امنیت می‌رسند، از این رو بعد اجتماعی امنیت واضح‌تر می‌شود، از عوامل تهدیدکننده امنیت اجتماعی می‌توان به مدرنیزاسیون، خشونت‌های نژادی و قومی و بد رفتاری با جمعیت‌های بومی اشاره کرد، لیکن همین گروه‌ها در عین حال می‌توانند با گرایش‌ها و تفکرات گروهی سرکوبگرانه، موجب تهدید امنیت نیز بشوند. نهایتاً امنیت سیاسی یا امنیت و سرکوب دولت وجود دارد که یکی از مهم‌ترین جنبه‌های امنیت انسانی قلمداد شده است (Tickner, 2015:2).

مفهوم امنیت انسانی در سال‌های پایانی دهه ۱۹۹۰ به تدریج در دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و برخی سازمان‌های غیر دولتی، مورد توجه واقع شد. در این مقوله دو دولت کانادا و ژاپن پیش‌تاز بودند. دولت کانادا در دستور کار امنیت انسانی، که از اسناد کلیدی مربوط به سیاست‌گذاری امنیت انسانی در کانادا است، با عنوان آزادی از ترس، امنیت انسانی را آزادی از تهدیدات فراگیر نسبت به حقوق، سلامتی و جان افراد، تعریف می‌کند (Canada, DFAIT, 2007:3). دولت ژاپن هم مفهوم امنیت انسانی را در سیاست‌های رسمی خود از سال ۱۹۹۰ قراردادده است. بنابراین از آن جایی که مهم‌ترین هدف امنیت انسانی، تضمین بقا و کرامت انسانی تک تک افراد انسان است، لازم است به استناد تعریف دولت ژاپن از امنیت انسانی، این مفهوم را به حمایت بهبود زندگی و کرامت انسانی در مقابل وضعیت مخاصمه قرارداد. از این رو دولت ژاپن در استفاده از این مفهوم در سیاست خارجی خود به کمک‌های مربوط به توسعه تأکید کرده است (Japan, Mofa, 2007:5). برخی اندیشمندان، امنیت انسانی را دسته‌بندی نوینی از حقوق بشر می‌دانند. درجه هم‌پوشانی میان امنیت انسانی و حقوق بشر بستگی به این دارد که چگونه هر یک از این موارد تعریف می‌گردد. یکی از اهداف اساسی حقوق بشر، این است که افراد را در مقابل دولت‌ها حمایت نماید (Buzan, 2021:115). حقوق بشر و امنیت انسانی به طور متقابل یکدیگر را تقویت می‌نمایند و در واقع مکمل یکدیگر می‌باشند یکی از راه‌های برقراری ارتباط میان حقوق بشر و امنیت انسانی، حمایت از حقوق بشر برای تضمین امنیت انسانی است، لذا امنیت انسانی را می‌توان هدف و غایت حمایت از حقوق بشر تلقی کرد. ضمن به رسمیت شناختن ارتباط متقابل میان امنیت انسانی و حقوق بشر، نقش‌های متفاوت و متمایزی برای آن‌ها می‌توان ترسیم کرد (کارولین، ۱۴۰۱: ۲۷).

امنیت انسانی به بقا و زندگی و به کرامت اساسی می‌پردازد و نه به حقوق و تعهدات بنیادین‌تری که حتی زمانی که افراد در امنیت هستند، باقی می‌مانند (McRae, 2021:94). امنیت انسانی، موضوعات خاصی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهد که در حالت عادی از یکدیگر بسیار دور بوده‌اند. موضوعاتی همچون: مین‌های زمینی، جرایم سازمان‌یافته فراملی، تروریسم، تسلیحات سبک، مواد مخدر، آسیب محیط زیست، بیماری‌های مسری خصوصاً ایدز، قتل، خشونت مبتنی بر جنسیت، بلایای طبیعی، اثر جنگ بر کودکان، حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه، آوارگان و پناهندگان، حفظ صلح و تحکیم صلح، مداخله بشردوستانه، دیوان کیفری بین‌المللی^۱، پیشگیری از بروز تعارضات، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها با نقش بازیگران غیردولتی (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۲). در واقع امنیت انسانی یک مفهوم وحدت بخش است و می‌تواند مقولات گوناگونی را در یک دستور کار واحد گردآورد.

^۱ - International Criminal Court

رهیافت امنیت انسانی، رهیافتی است که امنیت انسانی را به عنوان یک مرجع و یا یک هدف اصلی در نظر می گیرد. مفهوم امنیت انسانی، فرد انسانی را به عنوان پیوند و اساس توجهات خود در نظر می گیرد (Ghatak, 2019:934). حقوق بشر و امنیت انسانی از اموری هستند که به طور متقابل یکدیگر را تقویت می نمایند.

۱-۲- انسان محوری در امنیت انسانی

از امنیت انسانی به عنوان یکی از عناصر نظام جهانی انسان محور یاد شده است. از آنجایی که دولت ها در پی این مهم هستند که بقای خود به عنوان موجوداتی خود مختار را با به حداکثر رساندن توان نظامی خود و مهیا شدن برای جنگ تضمین نمایند. ولی با این وجود از امنیت انسانی غافل نبوده اند. اگر دولت نتواند بقای خود را تضمین نماید، نمی تواند یکی از مهم ترین کارکردهای خود یعنی حمایت از افراد را به سرانجام برساند (Baldwin, 2021:23). امنیت انسانی همان گونه که نام آن نشان می دهد فراتر از همه چیز است، با این رهیافت انسان محور، امنیت افراد با عضویت در یک جامعه سیاسی خاص تضمین می شود. (UNDP, Rep, 1993:2). گزارش توسعه انسانی ۱۹۹۴، از امنیت اجتماعی به عنوان یکی از هفت زمینه امنیت انسانی یاد می کند و به این نکته اشاره کرده است که انسان ها با عضویت در یک گروه، خانواده، اجتماع، سازمان و یا گروه نژادی و قومی، در جستجوی امنیت هستند (UNDP, Rep, 1993:2).

۲- حقوق بین الملل و امنیت انسانی

حقوق بین الملل، به طور سنتی به تنظیم و کنترل روابط میان دولت ها می پردازد. با این حال بسیاری بر این باورند که این فرد انسانی، ذی نفع اصلی و نهایی نظام حقوقی بین المللی می باشد (UNDP, Rep, 1993:4) ما باید به دنبال تعیین جنبه هایی از حقوق بین الملل باشیم که به صراحت نیازها و منافع افراد انسانی را ملاک نظر قرار دارد. و به آنها اولویت می دهند به ویژه اینکه آن ها را فراتر از نیازها و منافع دولت ها تلقی می کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۸). این در حالی است که امنیت انسانی، امنیت افراد انسانی را مقدم می شمارند (McRae, 2021:94). حق حاکمیت دولت و اصل برابری حاکمیت ها، یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین اصول حقوق بین الملل مدرن و منشور ملل متحد است (کارولین، ۱۴۰۱: ۲۶). اصل حاکمیت دولت، با مفهوم سنتی امنیت، ارتباطی نزدیک دارد. سایر اصول اساسی حقوق بین الملل نیز از امنیت ملی در مفهوم سنتی آن حمایت می کنند. به عنوان مثال اصل ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور که در بند ۴ از ماده ۲ منشور ملل متحد آمده است، اشاره به تمامیت سرزمینی^۱ و استقلال سیاسی^۲ دولت ها دارد. لذا اصل دفاع مشروع نیز همان تأثیر عملی دگرترین امنیت ملی^۳ است (Murray, 2021:589)، لذا این مهم به دولت ها اجازه می دهد در مقابل حملات مسلحانه به زور متوسل شوند، حتی اگر این کار امنیت افراد ساکن در آن جامعه را به خطر اندازد. حجم زیادی از اسناد الزام آور و غیر الزام آور ایجاد شده اند که پاسخ گوی تهدیدات گوناگونی از جمله بیماری های مسری، فقر، بلایای طبیعی و تخریب محیط زیست که فراتر از هر گونه خشونت فیزیکی هستند، باشند. حمایت از غیرنظامیان در جریان مخاصمات مسلحانه، یکی از اهداف اصلی حقوق بشر دوستانه است به آسیب پذیری های خاص کودکان در جریان این مخاصمات، موضوع پروتکل الحاقی به کنوانسیون حقوق کودک با موضوع درگیری کودکان در مخاصمات مسلحانه^۴ می باشد (Bain, 2021:277). یکی از بارزترین راهبردهایی که نشان می دهد چگونه حقوق می تواند به عنوان ابزاری برای تضمین امنیت انسانی به کار رود، تأسیس دیوان های کیفری بین المللی و به طور خاص تأسیس دیوان کیفری بین المللی است (UNDP, Rep, 1993:2). یکی از راه های بررسی رابطه میان امنیت انسانی و حقوق بین الملل، بررسی استفاده از حقوق به عنوان ابزاری برای پیشبرد امنیت انسانی است. از این رو کلیه معاهدات و موافقتنامه های بین المللی در حوزه های کنترل و به کارگیری تسلیحات،

1 - Territorial integrity

2 - Political independence

3 - National Security Doctrine

4 - Optional Protocol to the Convention on the Rights of the Child on the Involvement of Children in Armed Conflicts (opened for signature 25 May 2000, entered into force 12 February 2002) UNGA Res 54/263(16 March 2001) UN Doc A/RES/54/263. See also Rome Statute of the International Criminal Court (opened for signature 17 July 1998, entered into force 1 July 2002) 2187 UNTS 3 [Rome Statute], art 8(2)(b)(xxvi).

جرایم سازمان یافته فراملی، مواد مخدر و تروریسم همگی به دنبال آن بوده اند که به چنین تهدیدهایی که در مقابل امنیت انسانی وجود دارند، پاسخ گویند.

۳- امنیت انسانی و حقوق بشر

توجه به محوریت انسان در برخی از زمینه های حقوق بین الملل قابل ملاحظه است. رژیم نهادها و قواعد حقوق بشر که در حقوق بین الملل توسعه یافته است، برای آن است که از حقوق افراد انسانی حمایت نماید. هنجارهایی که در اسناد حقوق بشری از جمله حقوق پناهندگان^۱، حقوق بشردوستانه^۲ و حقوق بشر^۳ مطرح شده اند، حقوق افراد انسانی را به رسمیت می شناسند و تعهداتی را در مورد آن حقوق بر دوش دولت ها می گذارند. با بررسی دقیق اعلامیه وین^۴ مشاهده می شود که این سند حکایت از آن دارد که تمامی حقوق بشر، منبعث از کرامت ذاتی نوع بشر و ذاتی فرد انسانی است. در واقع این انسان است که موضوع اصلی حقوق و آزادی های بنیادین است و لذا منتفع اصلی از این حقوق، نیز همان فرد انسانی است. با پذیرش منشور ملل متحد و اسناد کلیدی حقوق بشری مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های ۱۹۶۶ (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) بسیاری از تعهدات حقوق بشری تبدیل به بخشی از حقوق بین الملل عرفی شده اند و ممنوعیت نقض حداقل برخی از حقوق بنیادین بشر به اصول کلی حقوق بین الملل تبدیل شده اند (کدخدایی، ۱۴۰۲: ۳۳).

حقوق بشر با تغییر دادن مرکز ثقل حقوق بین الملل از حمایت از دولت ها به حمایت از افراد انسانی، تغییراتی کیفی در تمام اجزای حقوق بین الملل ایجاد نموده است. لذا از گذرگاه است که ارتباط محکمی میان مفهوم امنیت انسانی و شناسایی و حمایت از حقوق بشر در حقوق بین الملل وجود دارد. اسنادی مانند اعلامیه وین، حکایت از آن دارد که تمامی حقوق بشر برخاسته از کرامت ذاتی بشر و فرد انسانی هستند و انسان موضوع اصلی حقوق آزادی های بنیادین است و لذا منتفع اصلی از این حقوق و آزادی های بنیادین نیز باید همان فرد انسانی باشد (Wolfrum, 2019: 942). اثر حقوق بشر در حقوق بین الملل را برخی دانشمندان اثری گسترده دانسته اند. این مهم به دلیل چالش هایی است که حقوق بشر در رابطه با اصول اساسی حقوق بین الملل خصوصاً اصول مربوط به حاکمیت و عدم مداخله ایجاد می نماید و نیز مربوط به آثاری است که حقوق بشردر رابطه با شرایط داخلی بر جای می گذارد. به عبارت دیگر توسعه نظام حقوق بشر، حق های بشری را به یکی از موضوعات حقوق بین الملل تبدیل کرده است (Donnelly, 2020: 38).

۴- امنیت انسانی و مداخله بشردوستانه

مداخله بشردوستانه به وضعیتی گفته می شود که در آن امنیت افراد مورد تهدید قرار گرفته و متضمن مداخله در سرزمین دیگر دولت های حاکم است. مداخله ی بشردوستانه^۵ عموماً به معنای استفاده از زور در یک دولت بدون رضایت آن دولت می باشد. این استفاده از زور توسط یک یا چند دولت دیگر به عمل می آید و اهداف بشر دوستانه دارد (Murray, 2021: 589). از این رو مداخله ی بشردوستانه را نمی توان مداخله نامشروع تلقی کرد چرا که حقوق بشر در زمره امور داخلی دولت ها قرار ندارد برخی از اندیشمندان مداخله ی بشردوستانه را نمونه ای عملی از امنیت انسانی می دانند که طبق آن چیرگی حمایت از افراد بر حاکمیت دولت ها به وضوح دیده می شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۱۱).

۵- امنیت انسانی و آوارگان

آوارگان، گروه آسیب پذیری هستند که امنیت آنها در دستور کار امنیت انسانی موضوع توجه ویژه بوده است. جابه جایی، یکی از مهم ترین نشانه های عدم امنیت است که هم سبب ناامنی است و هم نتیجه آن می باشد. در نیم قرن گذشته با تصویب کنوانسیون و

^۱ - Refugee rights

^۲ - Humanitarian law

^۳ - Human rights

^۴ - Vienna Declaration, 1993

^۵ - Humanitarian intervention

پروتکل پناهندگان، یک نظام بین‌المللی مربوط به آوارگان توسعه یافته و در حقوق بشردوستانه نیز برخی حمایت‌ها از این افراد مقرر شده است (McRae, 2021:94). آوارگی حتی اگر مبین عدم امنیت نباشد، نشانگر آن است و لذا توجه و تمرکز بر آن در تلاش‌های حمایتی بین‌المللی می‌تواند مفید و مشروع باشد (Kaplan, 2015:85).

۶- حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی

آنچه امروزه تحت عنوان حقوق بشر مطرح است، اصول و قواعد و مفاهیمی است که مبانی نزدیک آن اعلامیه حقوق بشر و شهروند ۱۷۸۹ فرانسه و اندیشه‌های متفکران سازنده آن اعلامیه یعنی فیلسوفان قرن هجدهم اروپا چون «ژان ژاک روسو»^۱، «منتسکیو»^۲، «دیدرو»^۳ و در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین ۱۹۶۶ که به نام منشور حقوق بشر^۴ نامیده می‌شوند منعکس است. از آنجا که اعلامیه حقوق بشر فرانسه اثر عمیقی بر کشورهای مختلف بر جای گذاشت و علاوه بر فرانسه که اصول آن را در مقدمه قانون اساسی خویش آورد، بسیاری از کشورهای دیگر نیز تحت تأثیر آن قرار گرفتند و در تدوین قوانین اساسی خود از آن اقتباس کردند، کشورهای اسلامی نیز از موج و نفوذ این تفکر مصون نمانده‌اند و نظام‌های حکومتی و قوانین آن‌ها تحت تأثیر این نوع اندیشه قرار گرفته است. در این مقطع، گروهی در مقام توجیه و تبلیغ آن بر آمدند و گروهی هم آن را با حداقل برخی از مفاهیم و قواعد آن را مغایر با شریعت اسلام که خود مدعی داشتن مبانی اصولی و قواعد فرعی برای اداره جامعه است دانستند. جمعی نیز به تطبیق و مقایسه پرداختند و سعی کردند موازین اسلامی را با اندیشه‌های بشری منعکس در اعلامیه‌های موصوف سازش دهند و احیاناً برتری رهنمودهای اسلامی را بیان کنند. در همین روند اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی نیز با الگوی اعلامیه‌های حقوق بشر و باهمان نام البته با قید اسلامی صادر کردند که از جمله مهم‌ترین آنها را می‌توان اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره^۵ مصوب وزیران امور خارجه کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی در (۵ اوت ۱۹۹۰) دانست. در مقدمه اعلامیه آمده است که تنها علت بدبختی‌های عمومی و فساد دولت‌ها، انکار یا فراموشی یا تحقیر حقوق انسانی مردم است. در این اعلامیه حقوق طبیعی انکار ناپذیر و مقدس اعلام شده که همه طبقات اجتماع از آن برخوردارند.

اعلامیه جهانی حقوق بشر با تأکید بر شناسایی حیثیت ذاتی کلیه انسان‌ها و حقوق یکسان و انتقال ناپذیر آن‌ها و احترام به ارزش فرد و تساوی حقوق زن و مرد شروع می‌شود. ماده اول آن تصریح می‌کند تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. از دیدگاه تدوین‌کنندگان اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد مربوطه، انسان به صرف انسان بودن صرف نظر از هرگونه تعلقی از حیث نژاد جنس مذهب زبان و غیره محترم بوده است آزاد و فارغ از قید بردگی است. هیچ یک از تعلقات مزبور موجب تبعیض در اعطا و اعمال حقوق و آزادی‌های او نمی‌شود. تفاوتی نمی‌کند که این ویژگی را خواست خداوند خالق انسان و موهبت او بدانیم یا این حقوق را حقوق طبیعی و فطری انسان و نشأت گرفته از وجود انسان بدون توجه به خالق و آفریدگار او بدانیم؛ چنانکه از هدف تدوین کنندگان اعلامیه حقوق بشر فرانسه چنین روحیه ای استنباط می‌شود. به هر حال، امنیت انسانی نوع بشر، در طول تاریخ از طریق برده‌داری و خرید و فروش انسان، تبعیضات نژادی، تعصبات کور مذهبی و امتیازات طبقاتی بر جامعه انسانی بر باد رفته است. اسلام در حوزه امنیت انسانی، این اندیشه را پدید آورد که باید اساس احترام به انسانیت و محترم شمردن شخصیت انسانی و آزاد بودن او و تساوی همه انسان‌ها، قطع نظر از تعلقاتی که در فوق ذکر شده در اذهان تقویت شود تا آن مظلوم و فجایع رخ ندهد و عدالت در جامعه بشری برقرار گردد. اگر با دید کلی به هدف‌ها و فعالیت‌های مربوط به حقوق بشر و تعلیمات و پیام‌های اصلی ادیان الهی نگاه کنیم، خواهیم دید، تعلیمات ادیان الهی خود نقش بسیار مؤثری در ترویج حقوق بشر داشته است، لذا در سیر تاریخی مباحث حقوق بشر باید بزرگ‌ترین سهم را به ادیان الهی داد؛ زیرا اصولاً ادیان الهی همواره در برابر ستمکاران و قدرتمندان غاصب و ناقض حقوق انسان ظهور کرده‌اند و در بعد تعلیمات اجتماعی نیز برای عدالت و تساوی حقوق انسان‌ها و رفع تبعیضات نژادی و امتیازات طبقاتی مبارزه نموده‌اند. بنابر این تردیدی نیست که مفاهیم عالیه انسانی از قبیل کرامت شخصیت انسان آزادی مساوات و غیره ریشه در تعلیمات انبیای الهی دارد و ادیان

^۱ - Jean-Jacques Rousseau

^۲ - Montesquieu

^۳ - Diderot

^۴ - The charter of Human Rights

^۵ - Cairo Declaration of Islamic Human Rights

آسمانی کمک بزرگی به پیشرفت حقوق بشر کرده‌اند. در تعلیمات خالص همه ادیان آزادی، برابری و برادری انسانها دوری جستن از ظلم برتری طلبی و خشونت مذهبی به چشم می‌خورد (مهرپور، ۱۳۹۰: ۳۰۸-۳۱۴). حال با توجه به بررسی امنیت انسانی، مناسب است مقایسه‌ای بین برخی از معیارها و مفاهیم کنونی حقوق بشر یا مبانی و مفاهیم اسلامی انجام شود که آیا آنچه امروزه به عنوان قواعد حقوق بشر ترویج می‌شود و اصرار بر جهانشمولی آن‌هاست با مبانی اسلامی سازگار بوده یا می‌توان آنها را با هم سازش داد؟ و در واقع، مدعی شد آنچه به عنوان اصول حقوق بشر بیان می‌شود، بیان دیگری از مقوله‌ای است که تعلیمات اسلامی هم آن را قبول دارد. در این مجال به مقوله آزادی از بردگی که یکی از ارکان اساسی امنیت انسانی است، به اجمال می‌پردازیم. بنابر تعریفی که ماده یک کنوانسیون مربوط به بردگی (۲۵ سپتامبر ۱۹۲۶) از بردگی می‌کند، بردگی عبارت از وضعیت یا حالت شخصی است که نسبت به وی حق مالکیت اعمال شود (A COMPILATION OF INTERNATIONAL INSTRUMENTS, 1988:154) مالکیت انسان بر انسان از جمله مسائلی است که از روزگاران گذشته همواره در جوامع بشری رواج داشته است خرید و فروش انسان مانند کالا و حیوان امری رایج و در زمره تجارت‌های معمول بوده است. جز جنبه عملی تسلط و اعمال قدرت و زور عده‌ای گروهی از افراد از نظر فلسفی نیز برخی حکما این امر را توجیه کرده و برای دوام زندگی جامعه بشری لازم می‌دانستند؛ چنانکه افلاطون و ارسطو، مشهورترین و معتبرترین فیلسوفان دوران قدیم، وجود طبقه برده را برای جامعه لازم می‌دیدند افلاطون در کتاب جمهوریت خود به وجود نظام برده‌داری در مدینه فاضله اذعان دارد (جرداق، ۱۹۵۸: ۲۷۴). منشا اصلی بردگی جنگ است که معمولاً قوم فاتح، خود را مالک مال و جان قوم مغلوب دانسته و افراد آن را به بردگی می‌گرفت. جز جنگ هجوم و ناخت و تاز ابتدایی گروهی به گروه دیگر به منظور غارتگری با به قصد اسیر کردن افراد جهت بردگی و معامله آنها به عنوان کالا، مبنای بردگی بوده است (قایم مقامی، ۱۳۵۶: ۷۵). اما این معنا نیز مسلم است که اسلام سعی بلیغی در تمهید آزادی بردگان و رفتار انسانی و شایسته با آنها داشته است در کنار توصیه به عبادت خداوند و نیکی به والدین و خویشاوندان خوش رفتاری و احسان با بردگان توصیه شده است «و اعبدوا الله و لا تشركوا به شیئا و بالوالدین احسانا و بذی القربى والیتامی والمساکین والجار ذی القربى و الجار الجنب والصاحب بالجنب و ابن السبیل و ما ملکت ایمانکم»^۱. همین طور کفاره بسیاری از خطاها و گناهان آزاد کردن برده قلمداد شده است. کفاره قسم (مائده: ۸۹)، قتل غیر عمد (نساء: ۹۲)، آزاد کردن برده قرار داده شده است.

۶-۱ - فجایع خشونت مذهبی در اروپای قرون وسطی

تاریخ بشریت شاهد فجایع و مظالم زیادی در زمینه تعصبات کور و خشک مذهبی و اجبار افراد به داشتن عقیده و مذهبی خاص با تفتیش عقاید مذهبی افراد و ایداء و آزار و حتی قتل و شکنجه آنها بوده است. بدترین وضعیت در دوران قرون وسطا طی ۷ قرن، یعنی از ۱۱۸۳ تا ۱۸۳۴ که تاریخ آغاز و پایان رسمی محاکم تفتیش عقاید در اسپانیا است به چشم می‌خورد در این دوران، آن گونه که به تفصیل در کتاب‌های تاریخ آمده است. دهها هزار نفر صرفاً به اتهام ارتداد و تخطی از دین رسمی در آتش سوزانده شدند یا پس از شکنجه‌های هولناک به قتل رسیدند و اموال شان مصادره گردید. «شارلمانی»^۲ پادشاه فرانسه قانونی گذراند که به موجب آن هر کس مسیحی نبود اعدام می‌شد. در این دوران عدم تسامح و ناپردباری مذهبی قاعده بود و هر کس به داشتن عقیده خلاف مظلون بود به قتل می‌رسید. نتیجه طبیعی این برخوردها و سختگیری‌های مذهبی این بود که به محض دمیدن فجر آزادی و گشایش روزنه‌ای علیه این طرز تفکر و برخورد قیام شد و آزادی مذهبی به عنوان مهمترین دستاورد مبارزه برای حقوق انسان در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه (۱۷۸۹) مطرح شد (THE UNITED NATIONS AND HUMAN RIGHTS, 1995:291). از آن پس نیز در سیراسناد بین المللی به عنوان یک حق اساسی انسانی ذکر شده است (مهرپور، ۱۳۹۰: ۳۳۴). البته خشونت‌های مذهبی و مجازات‌های مربوط به تغییر عقیده و دین در جوامع دیگر نیز وجود داشته و در حکومت‌های اسلامی نیز سابقه دارد، ولی وضعیت حاکم بر اروپا، به طور خاص، در قرون وسطی و محاکم تفتیش عقاید و وسعت فجایع آنها شاید در هیچ جای دیگر سابقه و نظیری نداشته باشد. از همین رو، واکنش اروپایی‌ها شدیدتر بوده و اصرار و پافشاری آنها بر تثبیت حق آزادی مذهبی و جدا کردن عقیده و عمل مذهبی از مسائل اجتماعی و حکومتی، بیش از دیگران است (قربان نیا، ۱۴۰۱: ۹۲).

^۱ - سوره نساء، آیه ۳۶

^۲ - Charlemagne

۷- تفاوت دیدگاه اسلام و نظام جهانی حقوق بشر

به هر حال از دیدگاه اسلام، ایمان و مسلمان بودن یک ارزش است. با اینکه اسلام همه تعلقات عارضی و اعتقاد صحیح مذهبی و امتیازات مبتنی بر نژاد، رنگ، قومیت و غیره را رد می‌کند و آنها را موجب برتری نمی‌داند ولی مسلمان بودن و متقی بودن را ارزش می‌داند و اعتبار خاصی برای آن قائل است. قرآن کریم خطاب به مردم می‌فرماید: «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرکم عندالله اتقیکم ان الله علیم خبیر»^۱: همه را از یک زن و مرد آفریدیم و فرقه‌ها و شعبه‌های مختلف انسانی را فقط برای شناسایی شما قراردادیم و موجب امتیازی نیست، به درستی که بهترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است و خداوند دانا و آگاه بر همه چیز است. این تقوا بدون داشتن عقیده توحیدی و اسلامی معنا ندارد. در زمینه مسائل جزایی مجازات قتل مسلمان و کافر یکسان نیست. البته تردیدی نیست که دید کلی اسلام مراعات حقوق و خوش رفتاری با غیر مسلمانانی است که در جامعه اسلامی زندگی می‌کنند و سر جنگ و ستیز و فتنه جویی ندارند. این معنا در آیه ۸ سوره ممتحنه تصریح شده است. خداوند می‌فرماید: «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم ان تبروهم و تقسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین»: خداوند شما را از نیکی کردن و عدالت نسبت به کسانی که در کار دین با ما نجنگیدند و شما را از سرزمین تان بیرون نکردند، باز نمی‌دارد، زیرا خداوند عدالت پیشگان را دوست دارد.

از دیدگاه نگارنده، اسلام در اعطاء و اعلام حقوق بشر پیشقدم است و آنچه را اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلام نموده در چهارده قرن پیش اسلام با مفهوم و محتوای متعالی و ضمانت اجرای قوی‌تر اعلام نموده است؛ چرا که حقوق و آزادی‌ها در نظام اسلامی، حقوق طبیعی نیستند بلکه موهبت الهی هستند و جزء معتقدات اسلامی به حساب می‌آیند. بنابراین از یک تقدس و احترام و شأن بالایی برخوردارند و همین امر تضمین بیشتری به آن‌ها می‌دهد و مصونیت بهتری در مقابل تجاوز به آن‌ها وجود دارد و بهتر می‌تواند از موقعیت جهانی و فراگیر برخوردار باشد.

۸- اسلام و امنیت انسانی

هر انسانی که اسلام را پذیرفته باشد صرف نظر از نژاد، زبان، اقامتگاه و سابقه تاریخی، عضوی از جامعه اسلامی و تحت الحمایه دولت اسلامی است. امنیت فرد انسان‌ها در اسلام اصل است بنابر این مهم است که امت اسلامی در واقع مجموعه گروه‌های مختلفی است که بر اساس عقیده و فکر واحد، زندگی مشترک و هماهنگ، قانون واحدی را که همانا ایمان به مبانی اسلام است را برای تنظیم حیات اجتماعی و فردی خود انتخاب کرده‌اند که غایت آن دست‌یابی به امنیت همه جانبه در حوزه‌های مختلف زندگی انسان است. بدین ترتیب در جامعه اسلامی مبتنی بر برادری هر فرد، پس از یک پیمان اختیاری (ایمان) رسماً به عضویت جامعه متشکل اسلامی در می‌آید، تابعیت آن را برعهده می‌گیرد از این رو همه در برابر قانونی که به آن ایمان آورده‌اند مسئولیت دارند و از حقوق برابری برخوردارند لذا کلیه عناصری که در ضمیمه با این مهم باشند از میان می‌رود (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). قرآن کریم، واژه امت را به جای واژه ملت به کار می‌برد و جامعه‌ای متشکل و درعین حال مختلف از نظر نژادی را امت واحد می‌داند. در جامعه اسلامی که وحدت فکر و عقیده و اراده الهی ضامن وحدت آن است، تبعیض‌ها از میان برداشته می‌شوند و همه ذیل امنیت نظام اسلامی قرار می‌گیرند.

۸-۱- حمایت از اقلیت‌ها و بیگانگان

با توجه به نیاز ملت‌ها به تبادل اندیشه‌های مادی و معنوی، به هم آمیختگی ملت‌ها از نظر خون، زبان، مذهب و اختیار در انتخاب مسکن و اقامتگاه از زمان‌های قدیم در حیات بشری، اختلاط بین ملیت‌ها را اجتناب‌ناپذیر کرده است. بر اثر همین اختلاط قهری ملت‌ها، کمتر کشوری را می‌توان یافت که همه اتباع آن دارای نژاد و مذهب واحدی باشند و طبیعی است در این کشورها شخص حاکم یا هیأت حاکمه از سیاست نژادی یا مذهبی و یا ملیت و تابعیت خاصی پیروی می‌کند و برخورداری از حمایت حکومت و یا قانون را مشروط به انطباق افراد با نظام حاکم آن کشور می‌داند. این مطلب در گذشته و شرایط قرون سابق، به طور خاص، در کشورهای اروپایی، نمود

بیشتری داشته است و سیاست نژادی و مذهبی توأم با تعصب و شدت بیشتری از طرف دولت‌های اروپایی اجرا می‌شد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۲۷). در بیشتر مواقع، اجرای این سیاست موجب محرومیت گروه‌هایی می‌شد که مشمول آن نظام نبودند و اغلب تبعیض‌ها و دشواری‌هایی از لحاظ امنیتی نیز برای آن‌ها فراهم می‌شد. از طرف هیأت حاکمه و اکثریت مورد آزار قرار می‌گرفتند و احیاناً دچار سخت‌ترین و وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها در صورت ارتکاب جرمی، می‌شدند. بنابراین این اصل مسأله اقلیت‌ها و تأمین حقوق و امنیت مشروع آنان از زمان قدیم در تاریخ سیاسی جهان به صورت یک مشکل بین‌المللی مطرح بوده، و همواره محل جدال بین اندیشمندان غربی بوده است. در سرزمین‌هایی که نظام نژادی حکمفرما بود بیگانه کسی بود که خون و زبان و سایر مشخصات نژادی وی با نژاد شخص حاکم و یا اکثریت تطبیق نکند؛ در کشورهایی که از سیاست مذهبی پیروی می‌شد و پایه ملیت بر اساس مذهب معینی قرار می‌گرفت بیگانه به کسی گفته می‌شد که مذهب حاکم و یا اکثریت ملت نباشد. در عصر حاضر نیز که تابعیت هر کشوری بر اساس عناصر ملی خاص پی‌ریزی شده است افرادی که واجد عناصر و مشخصات مزبور نباشند، بیگانه شمرده می‌شوند (قربان نیا، ۱۴۰۱: ۹۶). در نظام حقوق اسلامی با وجود اینکه تابعیت بر اساس مذهب نهاده شده است بیگانه مفهومی ندارد و فرد یا گروه‌های مذهبی می‌توانند با انعقاد پیمان ذمه به گروه امت اسلامی پیوندند و بدین وسیله از گروه‌های مختلف متحدی که دارای تابعیت متفاوتی هستند، ملت و امت واحدی تشکیل گردد و در پرتو امنیت اسلام، امنیت انسانی خود را ارتقا دهند.

۲-۸- امنیت انسانی در حکومت‌های گذشته و حال

قبل از بررسی حقوق انسانی اقلیت‌ها در نظام حقوق اسلامی لازم است بیگانگان را در حکومت‌های گذشته و نظام حکومتی جدید غربی به طور اختصار، در دو دوره بررسی نماییم. دوران حکومت نژادی و مذهبی قبل از تشکیل سازمان ملل متحد و دوم، دوران حکومت قانون پس از تشکیل سازمان ملل متحد. بیگانگان در کشورهایی که تحت حکومت نژادی و یا مذهبی اداره می‌شدند جز در موارد نادر معمولاً وضع ناگواری داشتند و نه تنها از منافع و حقوق نژاد و مذهب رسمی کشور محروم بودند، اصولاً نسبت به آنان چه از طرف حکومت‌ها و چه از ناحیه افراد ملت رفتار ناپسند اعمال می‌گردید و بر اثر همین رفتارها در بسیاری از موارد حوادثی رخ می‌داد که به شکنجه‌ها و کشتارهای دسته جمعی می‌انجامید و صحنه‌های رقت‌انگیزی به بار می‌آورد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۲۱). که مثال بارز این شیوه را می‌توان در حکومت هیتلر نازی حاکم بر آلمان بر شمرد.

حکومت‌های یهودی که قبل از بعثت مسیح از مقتدرترین و پرسابقه‌ترین حکومت‌های آن عصر بودند نظر به پیوند خاصی که نژاد و مذهب در آیین یهود پیدا کرده بود به شدت گرایش نژادی داشتند و معمولاً از یک سیاست خشن نژادی و مذهبی پیروی و با گروه‌های غیر یهودی به منزله حیوانات که باید در اختیار قوم برگزیده یهود باشند رفتار می‌کردند. دولت یهودی که بر اساس برگزیدگی ملت یهود پی‌ریزی می‌شد و به همین دلیل نمی‌توانست فرضیه دولت متشکل از گروه‌های مختلف نژادی و مذهبی را بپذیرد و یا تشکیل یک حکومت جهانی را هدف خود قرار دهد و امنیت انسانی سایر ملت‌ها را تضمین نماید، ناگزیر سیاست آن دولت در مورد توده‌های وسیع غیریهودی به یکی از دو صورت؛ نابودی افراد غیریهودی و پاک نمودن سرزمین خود از نژاد ناپاک (غیریهودی) و به بردگی کشیدن آنان و بهره‌برداری هر چه بیشتر از نیروی این گروه‌ها برای مصالح ملت برگزیده یهود، اجرا می‌شد (بهزادی، ۱۴۰۰: ۱۵۵).

از نخستین سال‌های قرن چهارم مسیحی که به تدریج آیین مسیحیت به عنوان دین امپراتوری‌های روم پذیرفته شد و حکومت‌ها و امپراتورهای مسیحی زمام امور را به دست گرفتند، دوران آزادی مسیحیان و اسارت یهودیان آغاز گردید. یهودیان چندین بار در حکومت‌های مسیحی امپراتوری روم قتل عام شدند و از سرزمین‌های تحت حکومت روم اخراج شدند. در بسیاری از کشورهای مسیحی یهودیان از جمیع حقوق مدنی محروم و حتی از نگهداری برده که در آن زمان رایج و آزاد بود ممنوع شدند در حکومت‌های مسیحی موضوع بیگانگان بیشتر جنبه مذهبی داشت و بیگانگان بدون هیچ گونه پناه و حمایتی به انواع محرومیت‌ها و شکنجه‌ها و آزارها گرفتار بودند (Buzan, 2021:95). حوادث و صحنه‌های رقت‌باری که در این زمینه در کشورهای مختلف مسیحی تا قرن هفدهم روی داد.

سرانجام موجب شد که در بیشتر عهدنامه‌های قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹، مانند معاهده وستفالی^۱ و وین^۲ به مسأله آزادی مذهبی توجه شود. در عهدنامه پاریس ۱۸۵۶^۳ مقرر شد که هم از نظر مذهبی و هم از لحاظ نژادی نیز تبعیض رفع گردد (McRae, 2021:94). در عهدنامه برلین^۴ به سال ۱۸۷۸ دولت‌های بزرگ آن زمان، دولت‌های متعصب را مجبور به شناسایی آزادی مذهبی نمودند. نکته جالب این است که موضوع حقوق اقلیت‌ها در مواردی نسبت به اقلیت‌های مذهبی و نژادی که تبعیت کشور مشخصی را داشته‌اند نیز مطرح می‌شد. چنانکه در عهدنامه پاریس ۱۸۵۶ بدان تصریح شده است: «از نظر مذهبی و نژادی بین افراد یک کشور در راستای افزایش امنیت انسانی، تبعیض و اختلافی نباشد». پس از جنگ جهانی اول در معاهدات عمومی و خصوصی برای حمایت بین المللی حقوق اقلیت‌ها اصول و قواعدی تعیین گردید و بسیاری از دولت‌ها متعهد شدند در تأمین امنیت انسانی، نسبت به اقلیت‌های نژادی و مذهبی و زبانی ساکن خاک خود رفتار مساوی با سایر اتباع خود داشته باشند (Kaplan, 2015:95). سرانجام با تشکیل جامعه ملل مسأله حمایت از اقلیت‌ها و امنیت انسانی آن‌ها وارد مرحله جدیدی شد. جامعه ملل مقرر کرد که برای تضمین احترام و رعایت حقوق اقلیت‌ها باید تعهدات دول در مورد اقلیت‌ها در قوانین اساسی آنها منعکس شود. علاوه بر این جامعه ملل مراقبت خواهد نمود که این تعهدات اجرا شود. اما در مورد بیگانگان تنها معاهدات دو یا چند جانبه‌ای منعقد شد که می‌توانست حقوقی را در راستای تأمین امنیت انسانی آن‌ها، تأمین کند (Hataley & Nossal, 2004:5). مؤسسه حقوق بین‌الملل که در ۱۸۷۴ میلادی در ژنو تشکیل شد، اعلام کرد که بیگانگان دارای حقوق و مزایایی هستند که دولت‌ها مجبور به رعایت آن‌ها هستند ولی در معاهدات قیدی به نفع آنها ذکر نشد و حتی معامله متقابل نیز شرط نشد (Krause, 2004:367). پس از جنگ جهانی دوم که جامعه ملل رسماً متلاشی شد و سازمان ملل متحد به همت فاتحان جنگ تشکیل شد، در مورد تأمین حقوق بیگانگان و امنیت اقلیت‌ها قدم تازه‌ای برداشته نشد و آخرین اقدام در سال ۱۹۲۹ میلادی به صورت کنفرانس بین‌المللی بزرگی در شهر پاریس انجام گرفت و با وجود کوشش‌های زیادی که برای تعیین طرز رفتار با بیگانگان به عمل آمد نتیجه مثبتی به دست نیامد (Leaning, 2004:354). جریانات و اقداماتی که بعد از این کنفرانس چه قبل از جنگ جهانی دوم و چه هنگام جنگ و حتی بعد از آن برای تأمین این منظور به وقوع پیوسته تأثیر چندانی در تغییر اوضاع نکرده است و متأسفانه در هیچ عصری بیش از عصر حاضر حقوق و امنیت انسانی بیگانگان، نقض نشده است.

با تشکیل سازمان ملل متحد، گرچه منشور ملل متحد به قسمتی از حقوق و آزادی‌های اساسی افراد بشر توجه خاصی داشت باز به مسأله اقلیت‌ها به صورت خاص آن مانند گذشته توجهی نشد و در عهدنامه‌های صلح بعد از جنگ جهانی دوم نیز در عین اینکه دول مغلوب متعهد شدند حقوق، امنیت و آزادی‌های اساسی بشر را در مورد اتباع خود بدون تبعیض از لحاظ مذهب و نژاد و زبان رعایت کنند، لیکن از اقلیت‌ها به صورت خاص و مستقل حمایتی نشد (Evans, 2004:263). متأسفانه در قرن حاضر حمایت از اقلیت‌ها تنها در صورتی مطرح می‌شود که بتواند دست آویزی برای پیشبرد مقاصد سیاسی قرار بگیرد. محکومیت حکومت نازی به جهت سیاست خشن نژادی در برابر یهودی‌ها و سکوت در برابر اعمال وحشیانه صهیونیست‌ها در غزه و یمن، مثال بارزی است از بی‌محتوایی این قوانین.

۳-۸- امنیت انسانی بیگانگان

در مورد پذیرش بیگانگان نظریه غالب، محدودیت در پذیرش بیگانگان است. طرفداران این نظریه، معتقدند که دولت‌ها در تنظیم مقررات راجع به ورود و اقامت بیگانگان در خاک کشور خود آزادی مطلق دارند بر طبق این عقیده در صورتی که بین کشورها عهد نامه‌ای منعقد نشده باشد هیچ کشوری اجبار نخواهد داشت که اتباع بیگانه را در خاک خود بپذیرد. این نظریه از سوی مؤسسه حقوق بین‌الملل^۵ که در سال ۱۹۲۸ میلادی در ژنو تشکیل شد، پذیرفته شده است (Newman, 2004:358). در مسأله پذیرش بیگانگان صرف نظر از آرای حقوقی، آنچه عملاً مشاهده می‌شود این است که حد و ملاک ثابتی در عمل دولت‌ها وجود نداشته و تعیین میزان و شرایط پذیرش بیگانگان مانند سایر حقوق اجتماعی مذهبی، سیاسی و قضایی آنان بسته به طرز تفکر و خط مشی سیاسی دولت‌هاست. بنابراین، هر

^۱ - Westphalia Peace

^۲ - Vienna Convention

^۳ - Treaty of Paris 1856.

^۴ - Treaty of Berlin 1878.

^۵ - Institute of International Law

دولتی اختیار دارد که بدون هیچ دلیلی از ورود بیگانگان به کشور خود ممانعت کند و یا در صورت پذیرش از حقوق و حق اختیار تابعیت و حق تملک حق تجارت و اشتغال به حرفه و صنعت و همچنین از حق ترافع قضایی و رجوع به محاکم آن کشور و حق استفاده از شرایط استحقاقی و امنیتی و حق نقل و انتقال اموال منقول و غیر منقول و حق انجام فرایض ملی و یا مذهبی محروم سازد و هر وقت بخواهد بیگانه را بی آنکه سبب مجوزی از ناحیه شخص او رخ داده باشد از کشور اخراج نماید (Suhrike, 2004:365).

۴-۸- مفهوم اقلیت در فقه اسلامی

اقلیت‌ها در فقه اسلامی به هیچ وجه به عنوان بیگانه و یا گروهی که در مقابل اراده و مصالح اکثریت اختیاری در تعیین حقوق و سرنوشت خود ندارند مطرح نیست و اختلاف در نژاد و زبان و یا عناصر دیگر که تابعیت در حقوق معاصر بر اساس آن تعیین می‌گردد موجب اختلاف با اکثریت در برخورداری از حقوق اجتماعی نمی‌شوند. برای توضیح این مطلب باید به معنای حقوقی و نظریه خاص ایدئولوژی اسلام در مفهوم تابعیت توجه داشت در قانون اسلام مسأله تابعیت و ملیت بر اساس خون و یا زبان و یا خاک و سایر عناصر مادی دیگر استوار نیست، بلکه موضوع تابعیت یک امر اختیاری و مربوط به عقیده و طرز فکر افراد تشکیل دهنده جامعه اسلامی است. در این مورد می‌توان به نهادهای متعالی مثل «ذمه» «امان و استیمان» که در اسلام وجود دارند به شرح ذیل اشاره کرد.

۹- قرارداد ذمه

در جامعه اسلامی، غیرمسلمان می‌توانند با لحاظ و رعایت شرایط ویژه‌ای عضو جامعه بزرگ و امن مسلمانان گردند و از امکانات امنیتی جوامع اسلامی بهره‌مند شوند. این شیوه جدید الحاق و کسب تابعیت جامعه اسلامی را در متون فقهی اسلامی «ذمه» می‌گویند و افراد داخل شده در این تابعیت را ذمی می‌نامند. در این پیمان سه گروه اهل کتاب یهودی، مسیحی و زردشتی می‌توانند شرکت کنند و با پذیرش و امضای قرارداد ذمه به عضویت جامعه بزرگ اسلامی و تابعیت قراردادی امت اسلامی درآیند و به عنوان متحدین در سراسر قلمرو حکومت اسلامی از آزادی و امنیت و حقوق خویش که طبق پیمان اختیار و امضاء نموده‌اند برخوردار گردند. از این رو افراد غیرمسلمان در قلمرو حکومت اسلامی هیچ گاه بیگانه و خارجی شناخته نمی‌شوند و از فردی بیگانه و غیر عضو جامعه اسلامی به عنوان متحد و هم پیمان که مفهوم انسانی با صلابتی دارد تبدیل می‌شود و با توجه به اختیاری بودن این قرارداد بین فرد ذمی و حکومت اسلامی تبلوری از امنیت، اتحاد و برادری بر روابط مسلم‌نات و ذمیان ظهور خواهد کرد.

در آیین اسلام صلح و امنیت به عنوان مهم‌ترین اصل در مناسبات بین‌المللی به حساب می‌آید و از این رو در اسلام فرصت‌های مناسب برای تحکیم و برقراری شرایط و پیمان‌های صلح و امنیت در روابط خارجی جامعه اسلامی پیش‌بینی شده است (الحسنی، ۱۴۰۱: ۱۰۱). دین مبین اسلام جهت گسترش صلح و امنیت در میان ملت‌ها و جلوگیری از مخاصمات علاوه بر ارزشمند دانستن معاهدات بین‌المللی از سایر ملت‌ها نیز برای انعقاد معاهدات صلح و دوستی دعوت می‌نماید، بلکه حاکمان اسلامی را نیز به جهت گسترش صلح و امنیت انسانی ترغیب می‌نماید (عمید زنجانی، ۱۳۹۷: ۲۵). براساس نظریه اصالت صلح و امنیت در روابط بین‌الملل اسلام حاکمان جوامع اسلامی را تشویق می‌کند که پیشنهادهای صلح و توسعه امنیت را تا آنجا که با هدف‌های اصلی و ایدئولوژیک اسلام مغایر نباشد، بپذیرند.

از دیدگاه نویسنده، قرارداد ذمه از مرفی‌ترین پیمان‌های امنیتی و صلح است که جز در موارد نقض پیمان از سوی ذمیان متعاهد خدشه‌ای بر اعتبار و الزامات حقوقی آن وارد نخواهد شد. قرارداد مصونیت یا استیمان با رضایت و توافق طرفین منعقد می‌شود و این پیمان بین شخص مستأمن و دولت اسلامی برای استفاده شخص مستأمن و البته با رضایت وی و برای آنکه بتواند به طور دائمی در قلمرو حکومت مسلمین اقامت نماید منعقد می‌شود. این اصل مسلم اسلامی علاوه بر اینکه با دکتترین جهانی و نظریه وحدت جهان که هدف نهایی قانون اسلام است تضادی ندارد، بلکه وسیله‌ای برای گسترش دعوت اسلامی و ایلاف قلوب انسان‌ها از ادیان و مذاهب مختلف می‌باشد. از آنجایی که تفکرات و عقیده اسلامی از راه صلح و امنیت گسترش مطلوب پیدا می‌کند، انعقاد معاهده ذمه، سدی محکم در برابر تفرقه‌های عقیدتی و نژادی است.

یکی از مهمترین مسایل مورد توجه دین مبین اسلام، روابط ملل مسلمان با سایر ملل خصوصاً غیر مسلمانان، در دو حوزه ملی و بین‌المللی است. از این رو در حقوق اسلام برای پدید آمدن اتحاد و همبستگی و کاهش مناسبات خصمانه و افزایش تعاون و همکاری

بین مسلمانان و غیر مسلمانان در قلمرو حکومت اسلامی قراردادی ویژه با عنوان ذمه ایجاد شده است که از نظر ساختار انسان دوستانه و آثار حقوقی قابل مقایسه با پیمان‌های بین‌المللی عصر حاضر و رفتاری که با بیگانگان و اقلیت‌ها انجام می‌گردد، نمی‌باشد. نیت اساسی از تشریع این پیمان گسترش امنیت در حوزه‌های انسانی و بین‌المللی است که مصداق بارز آن پذیرش پذیرش بیگانگان در جوامع اسلامی و زندگی مشترک و آزادانه بین فرقه‌های مختلف مذهبی در قلمرو حکومت اسلامی است. هدف اسلام از ایجاد این نوع آزادی مشروع و انسانی طرح ریزی و پایه‌گذاری جامعه‌ای متحد در سایه قرارداد ذمه است که اعضای آن با وجود اختلاف در عقیده و آیین، مسئولیت زندگی در کنار هم و توأم با تعاون و همفکری را در سایه امنیت اسلامی به عهده بگیرند.

۹-۱- مسئولیت حکومت اسلامی در قرارداد ذمه

با توجه به الزامات قرارداد ذمه، ذمیان مسئولیت اندکی در جامعه اسلامی دارند در حالیکه مسئولیت و تعهداتی سنگین بر حکومت اسلامی صلاحیت دار بار می‌شود که باید با تمام امکانات و تجهیزات در اختیار، به ایفای وظایف و تعهدات خود بپردازد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸، ۱۲۰). اسلام با پذیرش تعهدات و مسئولیت‌های سنگین قرارداد ذمه، زمینه گسترش صلح و امنیت بی قید و شرط را فراهم می‌کند و با پذیرش تعهدات یکجانبه از سوی خود مزایای پرارزشی را برای ذمیان از جمله صلح با حفظ آزادی آنها و رعایت جنبه‌های انسانی، در قالب قرارداد دوجانبه و طبق فراهم می‌نماید. در حقیقت، پیمان ذمه نوعی پیمان دفاعی و امنیتی با رویکرد انسان محور یک جانبه است که کلیه مسئولیت‌ها در آن معطوف دولت اسلامی است. از این رو با مقایسه این پیمان انسانی مترقی و بررسی ارزش‌های متعالی انسانی و بشر دوستانه آن و برتری مفاهیم انسانی و معنوی موجود در این پیمان با معاهدات نظامی و حمایتی عصر نوین، به عمق برتری تفکرات اسلامی در حمایت از انسان‌ها و تأمین امنیت نوع بشر پی خواهیم برد (عمید زنجانی، ۱۳۸۸: ۱۲۵). واکاوی این گونه معاهدات حمایتی نوین از دو دیدگاه، بسیار جالب و ارزنده خواهد بود.

نخست از آن جهت که هزینه و غرامت بسیار سنگینی بر دولت یا شخص درخواست کننده حمایت از طرف دولت حامی بار خواهد شد (قائم مقامی، ۱۳۵۶: ۳۱). به عنوان مثال می‌توان به کشورهای دارای ذخایر نفت و گاز اشاره کرد که برای تأمین امنیت خود دست به دامان قدرت‌های استعمارگر نوین می‌شوند و امنیت را به بهای هزینه‌ای گزاف در قالب پیمان‌های دفاعی، هرچند نا مطمئن به دست می‌آورند. از سویی دیگر کشورهای کوچک و درمانده از تأمین امنیت پایدار خود، علی‌رغم اینکه مزایای راهبردی فراوانی دارند، به شکل پایگاه نظامی دولت حامی تبدیل می‌شوند.

دوم از دیدگاه دفاعی که عمدتاً خطر فروپاشی پیمان امنیتی از طرف دولت حامی علی‌رغم اخذ هزینه گزاف و حتی به قیمت اضمحلال استقلال کشور درخواست کننده امنیت به دلایل سیاسی و معاملات و معادلات سیاسی و علی‌رغم تاخت تاز و حمله بیگانه بر کشور متعاقد، از حمایت کشور مورد نظر شانه خالی می‌کنند. لذا، توجه به پیمان‌هایی که آلمان در جنگ جهانی دوم با همسایگان خود منعقد کرده بود و واکاوی خسارت‌های بسیار سنگین کشورهای طرف این پیمان‌ها که اغلب دلگرم به همین پیمان‌های دلگرم بودند و همچنین سازکارهای پیمان‌هایی که دول ابر قدرت با کشورهای نفت‌خیز و خصوصاً کشورهای خاورمیانه منعقد نموده‌اند، نمونه‌های واقعی از این حقیقت باشد. به استناد پیمان ذمه اصل آزادی مذهبی طبق قرارداد ذمه برای اقلیت‌های مذهبی متعهد در سراسر کشور اسلامی وجود دارد که حاکی از نهایت امنیت، آزادی فرایض دینی و مذهبی و سایر امور مربوط به مذهب اهل ذمه می‌باشد. قرارداد امان نوعی تعهد حمایتی در روابط خارجی با بیگانگان است که در حقوق اسلام به معنی تعهد بی قید و شرط تأمین امنیت همه‌جانبه اشخاص یا کشورها می‌باشد. هدف پیمان امان، دست یابی به زیست انسانی و صلح آمیز جهت تأمین امنیت و حمایت از بیگانگان مستأمن، بدون تعرض به حقوق انسانی و مالی آن‌هاست که مورد تأیید بی قید و شرط اسلام می‌باشد (عبیری، ۱۴۰۰: ۱۲).

۱۰- ماهیت قرارداد امان

از آنجایی که ماهیت هر قرارداد از آثار آن قرارداد مشخص می‌شود، جوهره ذاتی قرارداد امان عبارت از تعهد متقابل بین شخص مسلمان و غیر مسلمان (شخص حقیقی یا حقوقی) جهت تحت‌الحمایگی مستأمن در حوزه‌های امنیتی، سیاسی، نظامی و حقوق اجتماعی که در قلمرو طرف دیگر منعقد می‌شود. نکته بسیار جالب در خصوص عقد استیمنان این مهم است که در مورد زنان و کودکان محدود به

زمان معینی نیست و ادامه سکونت آن‌ها در سرزمین اسلامی مجاز شمرده شده است (کدخدایی، ۱۴۰۲: ۳۸). نحوه بسیار ساده‌ی اعطای امان در سیره سیاسی پیامبر اسلام (ص) که در صد اسلام وجود داشت (الحسنی، ۱۴۰۱: ۱۰۵)، بیانگر این مهم است که نتایج سیاسی این پیمان دست‌یابی هرچه بیشتر امنیت است. حق انعقاد پیمان امان، از حقوق عمومی حکومت اسلامی است که حکمران مکلف به رعایت این حق و التزام به تعهدات ناشی از این قرارداد است. پیمان امان نوعی تأسیس حقوقی است که هدف نهایی آن تثبیت امنیت در گستره حکومت اسلامی و تبلیغ و زمینه‌سازی برای گرویدن مستأمنین به دین مبین اسلام و انتخاب زندگی مسالمت آمیز با مسلمانان به جای تقابل و دشمنی با مسلمانان است. احترام به اصول پیمان استیمن مستند به عرف بین‌المللی، امری است که احادیث و به تبع آن‌ها آراء فقهاء نیز به آن تأکید دارند. به عنوان مثال می‌توان به ورود نمایندگان سیاسی نظامی کشورهای بیگانه به قلمرو حکومت اسلامی بر اساس عرف بین‌المللی اشاره کرد که تحت حمایت و چتر امنیتی دولت اسلامی قرار می‌گیرند و بازرگانان و تجاری که به قصد داد و ستد مشروع به کشور اسلامی وارد می‌شوند نیز از هرگونه تعرضی در امان هستند. لازم به ذکر است که در عرف بین‌المللی معاصر رعایت و پاسداشت تعهدات امنیتی موکول به کنوانسیون‌ها و معاهدات دو یا چندجانبه شده است.

۱۱- قرارداد استیمن و تابعیت

تابعیت رابطه قانونی و سیاسی بین فرد و دولتی معین است که منتج به عضویت وی در جامعه سیاسی آن دولت می‌گردد. تابعیت با قرارداد استیمن رابطه حقوقی مشخصی دارد که مبنای به کارگیری قوانین مربوط به تابعیت در دولت اسلامی به شمار می‌آید. بدین شیوه که غیر مسلمانان به واسطه عقد امان به تابعیت حکومت اسلامی در می‌آیند و ذیل قواعد امنیتی و حفاظتی دولت اسلامی قرار می‌گیرند و از بسیاری از حقوق اجتماعی و سیاسی بهره‌مند می‌شوند، مانند حق مشارکت در انتخابات و اشتغال در مناصب اجتماعی و برخورداری از تأمین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی.

نتیجه

امنیتی شدن حقوق بین‌الملل، بعد حقوقی خاص خود را دارد، چرا که اقتدارات و مسئولیت‌های شورای امنیت مبتنی بر وجود تهدید نسبت به صلح و امنیت بین‌المللی می‌باشد. در همین راستا، امنیت انسانی به‌عنوان یکی از عناصر نظام جهانی انسان‌محور، عنوان شده است. امنیت انسانی همان گونه که نام آن نشان می‌دهد فراتر از همه چیز است که با این رهیافت انسان‌محور و سایر مفاهیم امنیتی متمایز شده است. ارتباط محکمی میان مفهوم امنیت انسانی و شناسایی و حمایت از حقوق بشر در حقوق بین‌الملل وجود دارد که اعلامیه جهانی حقوق بشر، منشور اروپایی حقوق بشر، میثاق‌های ۹۶۶، عهدنامه آمریکایی حقوق بشر، منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم و اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره، دلیلی بر این مدعاست. رژیم نهادها و قواعد حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه که در حوزه حقوق بین‌الملل به تدریج تکامل یافته است، در واقع به منظور حمایت و صیانت از حقوق فرد فرد انسان‌ها می‌باشد. هنجارهایی که ذیل اسناد حقوق بشری و سایر قواعد بشر دوستانه بین‌المللی تعریف شده‌اند برای به رسمیت شناختن حقوق فرد فرد انسان‌ها می‌باشند و تعهدات آمره را بر دولت‌ها بار می‌نمایند. امنیت افراد انسانی در اقصی نقاط جهان به هم تنیده است، از این رو به کارگیری شیوه‌های ایجاد امنیت دسته جمعی برای تضمین امنیت بسیار ضروری است. امنیت انسانی مرکز ثقل محاسبات امنیتی در سراسر جهان می‌باشد؛ بدین معنا که امنیت دیگران هر چند در نقطه بسیار دور از ما زندگی می‌کنند مؤثر بر امنیت ماست. لذا امنیت هیچ کس را نمی‌توان بدون تلاش‌های مشترک به طور کامل برقرار کرد. در این رابطه، امنیت انسانی نتیجه و اندیشه امنیت مشترک است، چرا که سرنوشت آن‌ها به یکدیگر پیوسته و گره خورده است. اسلام بر اساس رسالت خود گسترش صلح و امنیت در میان ملت‌ها و جلوگیری از بروز روابط خصمانه و درگیری‌های خونین را به رسمیت می‌شناسد و ضمن دعوت از سایر ملت‌ها برای انعقاد معاهدات امنیتی و صلح، ارزش حقوقی فوق‌العاده‌ای برای پیمان‌ها و معاهدات بین‌المللی قایل است. بر این اساس، ملل مسلمان را مکلف نموده است که در این زمینه همواره پیش‌قدم باشند و همت‌عالیه‌ی خود را برای برقراری و تحکیم مبانی، شرایط و گسترش صلح و امنیت انسانی آن در جامعه بشری به کار گیرند. مداخله بشر دوستانه، وضعیتی است که در آن امنیت افراد انسانی تهدید شده باشد و متضمن مداخله در سرزمین دولت‌های دیگر است، یکی از همین قواعد مهم اسلامی است. بین امنیت انسانی و مداخله بشردوستانه رابطه‌ای مشهود وجود دارد. یکی از مهمترین

مسایل مورد توجه دین مبین اسلام، روابط ملل مسلمان با سایر ملل خصوصاً غیر مسلمانان، در دو حوزه ملی و بین‌المللی است. از این رو در حقوق اسلام برای پدید آمدن اتحاد و همبستگی و کاهش مناسبات خصمانه و افزایش تعاون و همکاری بین مسلمانان و غیر مسلمانان در قلمرو حکومت اسلامی و تقویت امنیت انسانی، قراردادی ویژه با عنوان ذمه ایجاد شده است که از نظر ساختار انسان دوستانه و آثار حقوقی قابل مقایسه با پیمان‌های بین‌المللی عصر حاضر و رفتاری که با بیگانگان و اقلیت‌ها انجام می‌گردد، نیست. به استناد پیمان ذمه اصل آزادی مذهبی برای اقلیت‌های مذهبی متعهد در سراسر کشور اسلامی وجود دارد که حاکی از نهایت امنیت، آزادی فرایض دینی و مذهبی و سایر امور مربوط به مذهب اهل ذمه می‌باشد. قرارداد امان نوعی تعهد حمایتی در روابط خارجی با بیگانگان است که در حقوق اسلام به معنی تعهد بی‌قید و شرط تأمین امنیت همه‌جانبه اشخاص یا کشورها می‌باشد که دستیابی به زیست انسانی و صلح آمیز جهت تأمین امنیت و حمایت از بیگانگان مستأمن، بدون تعرض به حقوق انسانی و مالی، هدف آن است. تأکید مکرر اسلام در حفظ کرامت انسانی انسان‌ها و امنیت نوع بشر و رعایت حدود در مخاصمات مسلحانه و نیز قواعد حقوق بشر دوستانه در مخاصمات دلیلی قاطع بر امنیت انسانی، است. حقوق و آزادی‌های اسلام، حقوق و آزادی‌های طبیعی نیستند، بلکه موهبتی الهی هستند و بخشی از معتقدات اسلامی به شمار می‌روند. اسلام جامعه بشری را مثل یک خانواده می‌داند و نظامی کامل و مبتنی بر فطرت انسانی ارایه می‌کند که همه جنبه‌های زندگی نوع بشر را در نظر می‌گیرد. این حقوق مثل حقوق بشر نوین غربی نیست که مبتنی بر حقوق طبیعی بشر باشد، لذا تنیده در فطرت پاک انسانی است و شخص انسان را به دلیل انسان بودن خطاب قرار می‌دهد. قراردادهای ذمه، استیمن و امان که از مترقی‌ترین قواعد بشر دوستانه و در راستای تأمین امنیت انسانی می‌باشند، لذا بدون اعمال تبعیض و بدون اعلام حق شرط، کرامت و ذات انسانی را هدف قرار می‌دهد و بر خلاف سایر قواعد و کنوانسیون‌های حقوق بشری غربی مبتنی بر حقوق طبیعی است. لذا پیشنهاد می‌شود کشورهای اسلامی در قالب پیمان‌های امنیتی دفاعی مشترک به ایجاد نیروهای واکنش سریع تدافعی اقدام نمایند تا در برابر تهدیدات رو به تزاید علیه مسلمین وارد عمل شوند و در عمل امنیت انسانی را تأمین نمایند و در حوزه اقتصادی نیز می‌توان با تشکیل سازمان‌های اسلامی بین کشورهای مسلمان در راستای تأمین امنیت پایدار، گام برداشت. در مجموع از ملاحظه اسناد حقوق بشری نوین و اسناد و قواعد اسلامی می‌توان تا حدود زیادی قرابت و نزدیکی این قواعد را شاهد بود. در مورد سایر موازین حقوق بشر می‌توان تحقیقات گسترده‌تری در حوزه اسلام و حقوق بشر نوین انجام داد که به یاری خداوند در مقالات آینده به این مهم خواهیم پرداخت.

منابع:

- امیری قایم مقامی، عبدالحمید (۱۳۵۶). *حقوق تعهدات، نظریه کلی تعهدات*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- الحسنی، سلیم (۱۴۰۱). *عالمان شیعه رویاروی استعمار*. ترجمه محمد هادی باسخواه. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- بهزادی، حمید (۱۴۰۰). *قدرت‌های بزرگ و صلح بین‌المللی (اتحاد مقدس، جامعه ملل، سازمان ملل متحد از دیدگاه مورگنتای)*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- جردادق، جورج (۱۹۵۸). *الامام علی صوت العدالة الانسانیة. الجزء الثاني*. بیروت: دار الرواء.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۸). نگرشی نو به مفهوم مداخله بشردوستانه. *مجله پژوهش حقوق و سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی*. ۱۱ (۱۵)، ۱-۱۳.
- عبیری، غلامحسن (۱۴۰۰). آزادی و امنیت، تهران. *تازه‌های اقتصاد*. ۵۸، ۱۲-۱۰.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۸۸). *حقوق معاهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام*. تهران: سمت.
- عمیدزنجانی، عباسعلی (۱۳۹۷). *فقه سیاسی، حقوق بین‌الملل اسلامی*. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- قاسمی، محمدعلی (۱۴۰۰). امنیت انسانی و توسعه، تهران. *مطالعات راهبردی*. ۸۱، ۵۴۴-۵۲۷.

- قربان نیا، ناصر (۱۴۰۱). حقوق بشر و حقوق بشردوستانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- کارولین، توماس (۱۴۰۱). حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی. پژوهشکده مطالعات راهبردی. ترجمه مرتضی بحرانی. ۸ (۱۱)، ۲۶-۲۷.
- کدخدایی، عباسعلی (۱۴۰۲). حوادث ۱۱ سپتامبر و رویکرد نوین آمریکا به نظریه جنگ عادلانه. فصل نامه علمی پژوهشی دانشگاه مفید. ۳۳.
- مهرپور، حسین (۱۳۹۰). نظام بین‌المللی حقوق بشر. تهران: انتشارات اطلاعات.
- مونتسکیو (۱۳۴۹). روح‌القوانین. ترجمه علی اکبر مهتدی. تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

References

- Abiri, Gh. H. (1400). Azadi Va Amiyat. *Tazehaye Eqtesad*. (58), 10-12. (In Persian).
- Acharya, A. (2001). Debating human security: East Versus West. *International Journal*. 442, 448.
- Al-Hassani, S. (2022). *Aleman Shieeh Royaeh Esteemar*. Mohammad Hadi Baskhah (Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi Printing and Publishing Institute. (In Persian).
- Amid zanjani, A. A. (2009). *Hoquq Moaahadat e Benolmellali VA Diplomacy Dar Islam*. Tehran: Samt. (In Persian).
- Amid zanjani, A. A. (2018). *Feqh e Siasi, Hoquq e Benolmellal Islam*. Tehran: Amirkabir Publications Foundation. (In Persian).
- Amiri Qaem-Maqami, A. (1977). *Hoquq Taahodat, Nazarieh Kolli Taahodat*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian).
- Bain, W. (2021). The Tyranny of Benevolence: National security, human security, and the practice of statecraft. *Global Society*. 277-8.
- Baldwin, D.A. (2021). *The Concept of Security*. Oxford: University Press.
- Behzadi, H. (2021). *Qodrathaeibozorg va Solh e Benolmellali (Ettehadmoqaddas, Sazman e Mellal e Mottahed az Didgah Morgenthau)*. Tehran: Tehran University Press. (In Persian).
- Buzan (2021). *People, States and Fear*. New York: Harvester Wheatsheaf.
- Canada, DFAIT, Freedom from Fear: Canada Foreign Policy for Human Security (Ottawa, DFAIT, 2000) <http://www.humansecurity.gc.ca/pdf/freedom-from-fear-en.pdf> (accessed 27 February 2007) (Freedom from Fear), at 3.
- Carolyn, Th. (1401). Global governance, development and human security. Morteza Bahrani (Trans.). *Institute for Strategic Studies*. 8 (11), 26-27.
- Charlesworth, H. & Chinkin, C. (2000). *The Boundaries of International Law. A Feminist Analysis*. Manchester: University Press.
- Donnelly (2020). *Realism and International Relations*. Cambridge: Polite Press.
- Evans, T. (2004). Human Security and East Asia: In the Beginning. *Journal of East Asian Studies*. 263.
- Ghatak, S. (2019). *Introduction to Development Economics*. London: Routledge.
- Hataley, T.S. & Nossal, K.R. (2004). *The Limits of the Human Security Agenda: The Ca Canada's Response to the Timor Crisis*. Global Change: Peace & Security.
- Jordac, G. (1958). *Imam Ali, the Voice of Human Justice*. Beirut: Dar Al-Rawaa.

- Kadkhodaei, A. A. (1402). Havadeth 11 September va rouikard novin America be nazarieh jang adelaneh. *Mofid University's Scientific Research Quarterly*. 33. (In Persian).
- Kaplan, A. (2015). Homeland insecurities: Reflection on language and space. *Radical History Review*, 82-110.
- Krause, K. (2004). The key to a powerful Agenda, if properly delimited. *Security Dialogue*, 367.
- Leaning, J. (2004). Psychosocial well-being over time. *Security Dialogue*. 354, 354.
- McRae, R. (2021). *Human Security in a Globalized World*. McGill-Queen: University Press.
- Mehrpour, H. (2011). *Nezam e Benolmellal Huquq Bashar*. Tehran: Entesharat Ettelaat. (In Persian).
- Montesquieu (1349). *The Spirit of Laws*. Ali Akbar Mohtadi (Trans.). Tehran: Amirkabir Publishing House.
- Murray (2021). Rethinking human security. *Political Science Quarterly*. 116, 585.
- Neff, J. (2012). *Human Security and Mutual Security*. Ottawa: IDRC.
- Newman, E. (2004). A normatively attractive but analytically weak concept. *Security Dialogue*. 35 (358), 358.
- Qassemi, M. A. (1400). Amiyat ensani va toussee. *Strategic Studies*. 81, 527-544. (In Persian).
- Qurbanya, N. (2022). *Huquq Bashar Va Huquq Bashardoustaneh*. Tehran: Farhang and Islamic Institute. (In Persian).
- Suhrke, A. (2004). A stalled initiative. *Security Dialogue*. 365.
- Tickner, J.A. (2015). *Gender in International Security: An Analytical Survey*. New York: Columbia University Press.
- UNDP (1995). *Human Development*, Oxford, University Press, p122.
- UNSC, Report of the Secretary-General to the Security Council on the Protection of Civilians in Armed Conflict, 1999, UN Doc S/1999/957, Canada, human Security, p213.
- UNGA Res 60/1 (24 October 2005) UN Doc A/RES/60/1, PARA 143.
- UNDP, Human Development Report 1993 (Oxford University Press, 1993, p2.
- UNSC Res 134 (1 April 1960) UN Doc S/4300.
- UNSC Res 794 (3 December 1992) UN Doc S/RES/794.
- Wolf rum, R. (2019). *The Charter of the United Nations: A Commentary*. Oxford: Oxford University Press.
- Ziaei Bigdeli, M. R. (2009). A new approach to the concept of humanitarian intervention. *Journal of Law and Politics Research, Faculty of Law and Political Science, Allamah Tabatabaei University*. 11 (15), 1-13.
- (1998). *A Compilation of International Instruments*. New York: United Nations.
- Japan, MOFA, *The Trust Fund for Human security*, 2007. www.mofa.go.jp/mofaj/press/pr/pub/pamph/pdfs.
- (1995). *The United Nations and Human Rights*, (New York: U.N